درباره آتنا بیات، یک دهه هشتادی که فاتح نبرد قصه‌گوها شد

یکی بود، یکی نبود!

شاید من و همسن و سال‌هایم از قصه‌های آقای حکایتی مادر و پدرهایمان چیز زیادی ندانیم احتمالا گذرمان به کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نوشته مهدی آذریزدی خورده باشد یا حداقل یکی دوبار قصه شنگول و منگول را شنیده باشیم، خلاصه که قصه‌ها نقش پررنگی در بچگی‌مان داشتند و همین داستان‌ها رنگ زیبایی را بر کودکی‌مان پاشیده‌اند. همین چند روز پیش تب‌وتابی در کانون پرورش فکری باعث شد تا دوباره یاد قصه‌گوها را به بهانه جشنواره قصه‌گویی زنده کنیم، البته این بار با این تغییر که یک نوجوان دهه هشتادی در دل داستان‌های این جشنواره درخشیده است و در کارنامه هنری‌اش هم از این درخشش‌ها کم نیست!

سلام شما؟

از قلب استان مرکزی است و به قول خودش یک مردادی، دهه هشتادی و دختری پرتلاش و فعال. آتنا بیات ۱۷ ساله، از همان پرتلاش‌هایی است که در همین نوجوانی برای رقبایش خط و نشان کشیده. عاشق ادبیات و تشنه قصه‌گویی است و به همین واسطه دیوار افتخارات خود را از دیپلم جشنواره‌های کشوری نقالی پر کرده است از جشنواره نقالان علوی بگیر تا نفر اول در مسابقه تلویزیونی بِسُرای شبکه امید و جشنواره قصه‌گویی آیینی سنتی.

قصه یعنی چه؟

از او پرسیدم قصه‌ها از کجا سر منشأ می‌گیرند و تفسیر برق به چشمانم آورد. گفت: قصه‌ها از نظر او مسافر دو شهر یکی شهر تجربه و یکی شهر خیال و افسانه هستند. این که ما از کدام مسافرها استقبال کنیم به سلیقه و برداشت خودمان بستگی دارد. اما او مطمئن است دست رد به سینه آنها نمی‌زنیم به این دلیل که هم قصه‌های تجربی و حقیقی و هم قصه‌های خیالی و افسانه‌ای جذاب و شنیدنی هستند.

هنر مساوی هیچ!

پرسیدم معلم‌ها درباره رشته هنری چه نظری دارند که آتنا جواب قابل تاملی را بیان کرد؛ او عقیده دارد که برخورد معلم‌ها در مدارس مختلف با این مساله فرق می‌کند اما حقیقت ماجرا بیشتر به تلخی می‌زند تا خوبی. به نظر او درس‌های ریاضی و ادبیات و... بیشتر از بقیه درس‌ها اهمیت داده می‌شود و به قول خودش باید خیلی عاشق و صبور و کارکشته هنرباشی تا بتوانی تمام حرف‌های منفی در مدرسه و معلم‌ها را پشت سر بگذاری. «هنر برای شما هیچه!» این یکی از سنگین‌ترین حرف‌هایی است که یک معلم می‌تواند به فردی عاشق هنر بگوید و به عقیده آتنا، حرف‌های دبیران بسیار بر بچه‌ها اثرپذیری بالایی را دارد.

من آینده

«به خودم اجازه کنار کشیدن را نمی‌دهم.» بسیار رک و جدی این را درباره آینده‌اش گفت و به اعتقاد خودش این را می‌دانم که آتنای چند سال آینده هر کجا و در هر مسیری که باشد با تواضع و اخلاق‌مداری و سختکوشی اهدافش را دنبال و برای آنها بسیار می‌جنگد. با این که شاید یک جاهایی به نفس نفس بیفتد اما اجازه متوقف شدن را به خودش نمی‌دهد.

ترقه خوشبختی!

شنیده‌اید چه زود چه دیر خوشبختی حتما در خانه آدم را می‌زند و اگر حواست جمع باشد، می‌توانی از آن به نحو احسن استفاده کنی. به عقیده خودش در هر جشن و مراسمی در مدرسه به عنوان مجری پیشقدم می‌شد و عاشق اجرا و دکلمه خوانی بود. خانم حیدری معاون پرورشی مدرسه‌اش در این راه به شدت به او انگیزه و روحیه و میدان داده تا آتنا استعداد خودش را جدی بگیرد. در حقیقت او گوش به زنگ خوشبختی بود و امثال خانم حیدری‌ها هم یکی از همان آدم‌های مهم زندگی هستند که انگار خدا نشان کرده است سر راه آدم قرار بگیرند.

یارانه کتابی!

از این که به قصه‌گو و روایتگرها زیاد توجه نمی‌شود کمی ناراحت است و آرزوی توجه بیشتری را در فکر خود پرورش می‌دهد، به عقیده خودش قصه‌ها پل ارتباطی قوی بین دنیای کتاب و زندگی آدم‌ها هستند. آتنا فکر و فانتزی جالبی هم برای ترویج کتابخوانی در ذهن خود دارد و می‌گوید اگر می‌توانستم، با هر واریز یارانه به حساب مبارک خانواده‌ها، بن مخصوص خرید کتاب هم به آن اضافه می‌کردم تا به وسیله آن کتاب تهیه کنند.

از جشنواره چه خبر؟

همان‌طور که به دلیل درخشش او در جشنواره قصه‌گویی سراغ آتنا آمده‌ایم از او درباره کیفیت و چالش‌های این جشنواره پرسیدم. به علاوه این که او در مسابقه‌های زیادی شرکت کرده اما این بار تجربه شیرین و جدیدی را در این مسابقات کسب کرده است. او می‌گوید جلسات نقد و بررسی قصه‌ها توسط منتقدان از جذاب‌ترین و مفیدترین مراحل این جشنواره بوده است.

سکانس خوب پایانی

«پایان همه چیز خوب است، اگر خوب نشد بدان که هنوز پایان آن نرسیده است.» کمتر کسی این دیالوگ چارلی چاپلین را درباره امید نخوانده و آتنای قصه‌گو هم همین نظر را درباره سؤال پایان خوش قصه‌هایمان دارد. به نظر او پایان قصه‌های ما می‌تواند خوش و خوب باشد اما در عمل بستگی به تعریف ما از پایان دارد. شکست‌ها از نظر او اول ترسناک و کمی بعد حکم مرحله قبل موفقیت را پیدا کردند و به نظرش همان‌طور که درخت‌ها با هرس رشد بیشتری پیدا می‌کنند ما آدم‌ها هم همین‌طور هستیم و پایان خوب قصه همه ما بستگی به اعمال دیدگاه خودمان دارد.

عطیه ضرابی

کوتاه، درباره جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

جشن ۲۳ سالگی

الهام دارابی
دبیرخانه جشنواره

این جشنواره به دنبال ترویج فرهنگ قصه‌گویی کار خودش را از سال ۱۳۷۶ شروع کرد و تا کنون موفق به برگزاری ۲۲ دوره جشنواره به میزبانی استان‌های مختلف شده است. امسال هم شاهد برگزاری بیست و سومین دوره این جشنواره با حضور قصه‌گویان خارجی و ایرانی به صورت نیمه حضوری و متمرکز در پایتخت بودیم.

مرحله استانی جشنواره با ارسال فیلم قصه‌گویی، مرحله منطقه‌ای به صورت اجرای زنده مجازی (اجرا در استان‌ها و داوری متمرکز در تهران) اتفاق افتاد و مرحله کشوری هم به صورت اجرای زنده در روزهای پایانی آذرماه در تهران دایر شد. برگزاری مجازی بیست و سومین جشنواره اگرچه خالی از شور و شوق تماشاگر بود اما مجازی بودن در خودش قابلیت‌ها و جنبه‌های مثبتی داشت که قابل تامل است. مثلا برد رسانه‌ای جشنواره گسترش یافت. پیج‌های قصه‌گویی، لایوهای اینستاگرامی و... شرایطی را ایجاد کرد که گاهی اجرای یک قصه را چند هزار نفر ببینند. از طرفی به خاطر داوری متمرکز، عدالت و صحت داوری افزایش پیدا کرد و امکان استفاده از داوران غیرپایتخت‌نشین هم فراهم شد.

با توجه به شرکت قصه‌گویان پنج قاره جهان، برای اولین بار، جشنواره قصه‌گویی کانون جایگاه جهانی هم پیدا کرد. چنانچه در جشنواره بیست و سوم، ۲۱ قصه‌گوی خارجی به مرحله نهایی راه یافته و قصه خود را به صورت مجازی اجرا کردند.

این نکته هم قابل توجه است که همزمانی اختتامیه قصه‌گویی کانون با شب یلدا پیام فرهنگی مشخصی داشت. شب یلدا از دیرباز شب قصه‌گویی ایرانیان بوده و امروز نمادی برای حفظ و اعتلای این سنت زیبای ایرانی است. از برکات همزمانی اختتامیه جشنواره قصه‌گویی کانون با شب یلدا، ثبت شدن ۳۰ آذر به نام «روز قصه و قصه‌گویی» در تقویم رسمی ایران بود. برای آگاهی از برندگان جشنواره به سایت kpf.ir مراجعه کنید.